

کتاب الکترونیکی

۱۶۲۰ ضرب المثل فارسی

سازنده و ویراستار:

شاهین کریم زاده

www.shahin-k-7.blogfa.com

[ارتباط بامن از طریق ایمیل](#)

صفحه 61

حرف آ

آب از دستش نمیچکه !

آب از سر چشمه گله !

آب از آب تکان نمیخوره !

آب از سرش گذشته !

آب پاکی روی دستش ریخت !

آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم !

آب را گل آلود میکنه که ماهی بگیره !

آب زیر پوستش افتاده !

آب که یه جا بمونه، میگنده .

آبکش و نگاه کن که به کفگیر میگه تو سه سوراخ داری !

آب که از سر گذشت، چه یک ذرع چه صد ذرع - چه یک نی چه صد نی !

آب که سر بالا میره، قورباغه ابوعطا میخونه !

آب نمی بینه و گرنه شناگر قابلیه !

آبی از او گرم نمیشه !

آتش که گرفت، خشک و تر میسوزد !

آخر شاه منشی، گاه کشی است !

آدم با کسی که علی گفت، عمر نمیگه !

آدم بد حساب، دوبار میده !

آدم تنبل، عقل چهل وزیر داره !

آدم خوش معامله، شریک مال مردمه !

آدم دست پاچه، کار را دوبار میکنه !

آدم زنده، زندگی میخواد !

آدم گدا، اینهمه ادا؟! !

کاری از شاهین کریم زاده

آدم گرسنه، خواب نان سنگک می بینه !

آدم ناشی، سرنا را از سر گشادش میزنه !

آرد خودمونو بیختم، الک مونو آویختم !

آرزو بر جوانان عیب نیست !

آستین نو پلو بخور !

آسوده کسی که خر نداره --- از گاه و جوش خبر نداره !

آسه برو آسه بیا که گربه شاخت نزنه !

آشپز که دوتا شد، آش یا شوره یا بی نمک !

آش نخورده و دهن سوخته !

آفتابه خرج لحیمه !

آفتابه لگن هفت دست، شام و نهار هیچی !

آفتابه و لولهنگ هر دو یک کار میکنند، اما قیمتشان موقع گرو گذاشتن معلوم میشه !

آدمم ثواب کنم، کباب شدم !

آمد زیر ابروشو برداره، چشمش را کور کرد !

آنانکه غنی ترند، محتاج ترند !

آنچه دلم خواست نه آن شد --- آنچه خدا خواست همان شد .

آنرا که حساب پاکه، از محاسبه چه باکه ؟!

آنقدر بایست، تا علف زیر پات سبز بشه !

آنقدر سمن هست، که یاسمن توش گمه !

آنقدر مار خورده تا افعی شده !

آن ممه را لولو برد !

آنوقت که جیک جیک مستانت بود، یاد زمستانت نبود ؟

آواز دهل شنیده از دور خوشه !

» فصل « الف

اجاره نشین خوش نشینه !

کاری از شاهین کریم زاده

ارزان خری، انبان خری !

از اسب افتاده ایم، اما از اصل نیفتاده ایم !

از اونجا مونده، از اینجا رونده !

از اون تترس که های و هوی داره، از اون بترس که سر به تو داره !

از این امامزاده کسی معجز نمی بینه !

از این دم بریده هر چی بگی بر میاد !

از این ستون بآن ستون فرجه !

از بی کفنی زنده ایم !

از دست پس میزنه، با پا پیش میکشه !

از تنگی چشم پیل معلوم شد --- آنانکه غنی ترند محتاج ترند !

از تو حرکت، از خدا برکت .

از حق تا نا حق چهار انگشت فاصله است !

از خر افتاده، خرما پیدا کرده !

از خرس موئی، غنیمته !

از خر میپرسی چهارشنبه کیه !؟

از خودت گذشته، خدا عقلی به بچه هات بده !

از درد لا علاجی به خر میگه خانمباجی !

از دور دل و میبره، از جلو زهره رو !

از سه چیز باید حذر کرد، دیوار شکسته، سگ درنده، زن سلیطه !

از شما عباسی، از ما رقاصی !

از کوزه همان برون تراود که در اوست ! ((گر دایره کوزه ز گوهر سازند))

از کیسه خلیفه می بخشه !

از گدا چه یک نان بگیرند و چه بدهند !

از گیر دزد در آمده، گیر رمال افتاد !

از ماست که بر ماست !

از مال پس است و از جان عاصی !

کاری از شاهین کریم زاده

از مردی تا نامردی یک قدم است !

از من بدر، به جوال گاه !

از نخورده بگیر، بده به خورده !

از نو کیسه قرض مکن، قرض کردی خرج نکن !

از هر چه بدم اومد، سرم اومد !

از هول هلیم افتاد توی دیگ !

از یک گل بهار نمیشه !

از این گوش میگیره، از آن گوش در میکنه !

اسباب خونه به صاحبخونه میره !

اسب پیشکشی رو، دندوناشو نمیشمرند !

اسب ترکمنی است، هم از توبره میخوره هم از آخور !

اسب دونده جو خود را زیاد میکنه !

اسب را گم کرده، پی نعلش میگردد !

اسب و خر را که یکجا ببندند، اگر همبو نشند همخو میشند !

استخری که آب نداره، اینهمه قورباغه میخواد چکار ؟!

اصل کار برو روست، کچلی زیر پوست !

اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد !

اگر بیل زنی، باغچه خودت را بیل بزنی !

اگر برای من آب نداره، برای تو که نان داره !

اگر بپوشی رختی، بنشیننی به تختی، تازه می بینمت بچشم آن وختی !

اگه باباشو ندیده بود، ادعای پادشاهی میکرد !

اگه پشیمونی شاخ بود، فلانی شاخش باآسمان میرسید !

اگه تو مرا عاق کنی، منم ترا عوق میکنم !

اگر جراحی، پییزی خود تو جا بنداز !

اگه خدا بخواهد، از تر هم میدهد !

اگه خاله ام ریش داشت، آقا دائیم بود !

کاری از شاهین کریم زاده

اگه خیر داشت، اسمشو می گذاشتند خیرالله !

اگر دانی که نان دادن ثواب است --- تو خود میخور که بغدادت خرابست !

اگه دعای بچه ها اثر داشت، یک معلم زنده نمی موند !

اگه زاغی کنی، روقی کنی، میخورمت !

اگه زری بپوشی، اگر اطلس بپوشی، همون کنگر فروشی !

اگه علی ساریونه، میدونه شترو کجا بخوابونه !

اگه کلاغ جراح بود، ماتحت خودشو بخیه میزد .

اگه لالائی بلدی، چرا خوابت نمیبره !

اگه لر ببازار نره بازار میگنده !

اگه مردی، سر این دسته هونگ (هاون) و بشکن !

اگه بگه ماست سفیده، من میگم سیاهه !

اگه مهمون یکی باشه، صاحبخونه برایش گاو می کشه !

اگه نخوردیم نون گندم، دیدیم دست مردم !

اگه نی زنی چرا بابات از حصبه مرد !

اگه هفت تا دختر کور داشته باشه، یکساعته شوهر میده !

اگه همه گفتند نون و پنیر، تو سرت را بگذار زمین و بمیر !

امان از خانه داری، یکی میخری دو تا نداری !

امان ازدوغ لیلی ، ماستش کم بود آبش خیلی !

انگور خوب، نصیب شغال میشه !

اوسا علم ! این یکی رو بکش قلم !

اولاد، بادام است اولاد اولاد، مغز بادام !

اول بچش، بعد بگو بی نمکه !

اول برادریتو ثابت کن، بعد ادعای ارث و میراث کن !

اول بقالی و ماست ترش فروشی !

اول پیاله و بد مستی !

اول ، چاه را بکن، بعد منار را بدزد !

کاری از شاهین کریم زاده

ای آقای کمر باریک، کوچه روشن کن و خانه تاریک !

این تو بمیری، از آن تو بمیری ها نیست !

اینجا کاشون نیست که کپه با فعله باشه !

این حرفها برای فاطمی تنبون نمیشه !

این قافله تا به حشر لنگه !

اینکه برای من آوردی، بپر برای خاله ات !

اینو که زائیدی بزرگ کن !

این هفت صنار غیر از اون چارده شی است !

اینهمه چریدی دنبه ات کو ؟!

اینهمه خر هست و ما پیاده میریم !

ب.

با آل علی هر که در افتاد ، ور افتاد .

با اون زبون خوست، با پول زیادت، یا با راه نزدیک !

با این ریش میخواهی بری تجریش ؟

با پا راه بری کفش پاره میشه، با سر کلاه !

با خوردن سیرشده با لیسیدن نمیشی !

باد آورده را باد میبرد !

با دست پس میزنه، با پا پیش میکشه !

بادنجان بم آفت ندارد !

بارون آمد، ترکها بهم رفت !

بار کج به منزل نمیرسد !

با رمال شاعر است، با شاعر رمال، با هر دو هیچکدام با هر هیچکدام هر دو !

بازی اشکنک داره ، سر شکستنک داره !

بازی بازی، با ریش بابا هم بازی !

با سیلی صورت خودشو سرخ نگهمیداره !

با کدخدا بساز، ده را بچاپ !

کاری از شاهین کریم زاده

با گرگ دنبه میخوره، با چوپان گریه میکنه !

بالابالاها جاش نیست، پائین پائین ها راش نیست !

بالاتو دیدیم ، پائیتتم دیدیم !

با مردم زمانه سلامی و والسلام .

تا گفته ای غلام توام، میفروشنت !

با نردبان به آسمون نمیشه رفت !

با همین پرو پاچین، میخواهی بری چین و ماچین ؟

باید گذاشت در کوزه آبش را خورد !

با یکدست دو هندوانه نمیشود برداشت !

با یک گل بهار نمیشه !

با یک گل بهار نمیشه !

با یک گل بهار نمیشه !

به اشتهای مردم نمیشود نان خورد !

به بهلول گفتند ریش تو بهتره یا دم سگ ؟ گفت اگر از پل جستم ریش من و گرنه دم سگ !

بجای شمع کافوری چراغ نفت میسوزد !

بچه سر پیری زنگوله پای تابوته !

بچه سر راهی برداشتم پسرم بشه، شوهرم شد !

بخور و بخواب کار منه، خدا نگهدار منه !

بد بخت اگر مسجد آدینه بسازد --- یا طاق فرود آید، یا قبله کج آید !

به درویشه گفتند بساطتو جمع کن ، دستشو گذاشت در دهنش !

بدعای گربه کوره بارون نمیداد !

بدهکار رو که رو بدی طلبکار میشه !

برادران جنگ کنند، ابلهان باورکنند !

برادر پشت ، برادر زاده هم پشت

خواهر زاده را با زر بخر با سنگ بکش!

برادری بجا، بزغاله یکی هفت صنار !

کاری از شاهین کریم زاده

! برای کسی بمیر که برات تب کنه

برای همه مادری، برای ما زن بابا !

برای یک بی نماز، در مسجد و نمی بندند !

برای یه دستمال قیصریه رو آتیش میزنه !

بر عکس نهند نام زنگی کافور !

به روباهه گفتند شاهدت کیه ؟ گفت: دمیم !

بزبون خوش مار از سوراخ در میاد !

بزک نمیر بهار میاد --- کنبزه با خیار میاد !

بزگر از سر چشمه آب میخوره !

به شتره گفتند شاشت از پسه ، گفت : چه چیزم مثل همه کسه ؟!

به شتر مرغ گفتند بار ببر، گفت : مرغم، گفتند : پیر، گفت : شترم !

بعد از چهل سال گدایی، شب جمعه را گم کرده !

بعد از هفت کره، ادعای بکارت !

بقاطر گفتند بابات کیه ؟ گفت : آقاده ایم اسبه !

به کیشی آمدند به فیشی رفتند !

به گربه گفتند گهت درمونه، خاک پاشید روش !

به کچله گفتند : چرا زلف نمیزاری ؟ گفت : من از این قرتی گیریها خوشم نمیاد !

به کک بنده که رقااص خداست !

بگو نبین، چشممو هم میگذارم، بگو نشنو در گوشمو میگیرم، اما اگر بگی نفهمم، نمیتونم !

بگیر و ببند بده دست پهلوون !

بلبل هفت تا بچه میزاره، شیش تاش سسکه، یکیش بلبل !

بمالت نناز که بیک شب بنده، به حسنت نناز که بیک تب بنده !

بماه میگه تو در نیا من در میام !

بمرغشان کیش نمیشه گفت !

بمرگ میگیره تا به تب راضی بشه !

بوجار لنجونه از هر طرف باد بیاد، بادش میده !

کاری از شاهین کریم زاده

بهر کجا که روی آسمان همین رنگه !

به یکی گفتند : سرکه هفت ساله داری ؟ گفت : دارم و نمیدم، گفتند : چرا ؟ گفت : اگر میدادم هفت ساله نمیشد !

به یکی گفتند : بابات از گرسنگی مرد . گفت : داشت و نخورد ؟ !

بمیر و بدم !

به گاو و گوسفند کسی کاری نداره !

بیله دیگ، بیله چغندر !

پا را به اندازه گلیم باید دراز کرد !

پای خروستو ببند، بمرغ همسایه هیز نگو !

پایین پایین ها جاش نیست، بالا بالا ها راش نیست !

پز عالی، جیب خالی !

پس از چهل سال چارواداری، الاغ خودشو نمیشناسه !

پس از قرنی شنبه به نوروز میافته !

پستان مادرش را گاز گرفته !

پسر خاله دسته دیزی !

پسر زائیدم برای رندان، دختر زائیدم برای مردان، موندم سفیل و سرگردان !

پدر کو ندارد نشان از پدر --- تو بیگانه خوانش نخوانش پسر !

پشت تاپو بزرگ شده !

پنج انگشت برادرند، برابر نیستند !

پوست خرس نزنه میفروشه !

پول است نه جان است که آسان بتوان داد !

پول پیدا کردن آسونه، اما نگهداریش مشکله !

پول حرام، یا خرج شراب شور میشه یا شاهد کور !

پولدارها به کباب، بی پولها به بوی کباب ،

پول ما سکه عُمَر داره !

پیاده شو با هم راه بریم !

پیاز هم خودشو داخل میوه ها کرده !

کاری از شاهین کریم زاده

پی خر مرده میگرده که نعلش را بکنه !

پیراهن بعد از عروسی برای گل منار خوبه !

پیرزنه دستش به درخت گوجه نمیرسید، می گفت : ترشی بمن نمیسازه !

پیش از آخوند منبر نرو !

پیش رو خاله، پشت سر چاله !

پیش قاضی و معلق بازی !

تا ابله در جهانه، مفلس در نیمانه !

تابستون پدر یتیمونه !

تا پریشان نشود کار بسامان نرسد !

تا تریاق از عراق آرند، مار گزیده مرده باشد !

تا تنور گرمه نون و بچسیون !

تا چراغ روشنه جونورها از سوراخ میان بیرون !

تا شغال شده بود به چنین سوراخی گیر نکرده بود !

تا کرکس بچه دارشد، مردار سیر نخورد !

تا گوساله گاو بشه ، دل مادرش آب میشه !

تا مار راست نشه توی سوراخ نمیره !

تا نازکش داری نازکن، نداری پاهاتو دراز کن !

تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها !

تا هستم بریش تو بستم !

تب تند عرقش زود در میاد !

تخم دزد، شتر دزد میشه !

تخم نکرد نکرد وقتی هم کرد توی کاهدون کرد !

تا تو فکر خر بکنی ننه، منو در بدر میکنی ننه !

ترب هم جزء مرکبات شده !

ترتیزک خریدم قاتق نونم بشه، قاتل جونم شد !

تره به تخمش میره، حسنی به باباش !

کاری از شاهین کریم زاده

تعارف کم کن و بر مبلغ افزا !

تغاری بشکنه ماستی بریزد --- جهان گردد به کام کاسه ليسان !

تف سر بالا، بر میگردد بریش صاحبش !

تلافی غوره رو سر کوره در میاره !

تنبان مرد که دو تا شد بفکر زن دوم میافته !

تنبل مرو به سایه، سایه خودش میآیه !

تنها بقاضی رفته خوشحال برمیگرده !

تو از تو، من از بیرون !

تو بگو ((ف)) من میگم فرحزاد !

توبه گرگ مرگه !

تو که نی زن بودی چرا آقا دائیت از حصبه مرد !

تومون خودمونو میکشه، بیرونمون مردم را !

توی دعوا نون و حلوا خیر نمیکنند !

جا تره و بچه نیست !

جاده دزد زده تا چهل روز امنه !

جایی نمیخواه که آب زیرش بره !

جایی که میوه نیست چغندر ، سلطان مرکباته !

جواب ابلهان خاموشیست !

جواب های، هویه !

جوانی کجائی که یادت بخیر !

جوجه را آخر پائیز میشمردند !

جوجه همسشه زیر سبد نیمونه !

جون بعزرائیل نمیده !

جهود، خون دیده !

جهود، دعاش را آورده !

کاری از: شاهین کریم زاده

جیبش تار عنکبوت بسته !

جیگر جیگره ، دیگر دیگره !

چار دیواری اختیاری !

چاقو دسته خودشو نمبیره !

چاه کن همیشه ته چاهه !

چاه مکن بهر کسی، اول خودت، دوم کسی !

چاه نکنده منار دزدیده !

چرا توپچی نشدی !

چراغی که به خونه رواست، به مسجد حرام است !

چشته خور بدتر از میراث خوره !

چشم داره نخودچی، ابرو نداره هیچی !

چشمش آلبالو گیلان می چینه !

چشمش هزار کار میکنه که ابروش نمیدونه !

چغندر گوشت نمیشه، دشمنم دوست نمیشه !

چنار در خونه شونو نمی بینه !

چوب خدا صدا نداره ، هر کی بخوره دوا نداره !

چوب دو سر طلا ست !

چوب را که برداری، گریه دزده فرار میکنه !

چوب معلم گله، هر کی نخوره خله !

چو به گشتی، طبیب از خود میازار --- چراغ از بهر تاریکی نگه دار !

چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن --- که گوهر فرو شست یا پبله ور!

چه خوشست میوه فروشی --- گر کس نخرد خودت بنوشی !

چه عزائست که مرده شور هم گریه میکنه !

چه علی خواجه، چه خواجه علی !

چه مردی بود کز زنی کم بود !

کاری از شاهین کریم زاده

چیزی که شده پاره، وصله ور نمی داره !

چیزی که عوض داره گله نداره !

خار را در چشم دیگران می بینه و تیر را در چشم خودش نمی بینه !

خاشاک به گاله ارزونه، شنبه به جهود !

خاک خور و نان بخیلان مخور ! (... خار نه ای زخم ذلیلان مخور)

خاک کوچه برای باد سودا خوبه !

خال مهرویان سیاه و دانه فلفل سیاه --- هر دو جانسوز است اما این کجا و آن کجا !؟

خاله ام زائیده، خاله زام هو کشیده !

خاله را میخواهند برای درز و دوز و گرنه چه خاله چه یوز !

خاله سوسکه به بچه اش میگه : قریون دست و پای بلوریت !

خانه ای را که دو کدبانوست، خاک تا زانوست !

خانه اگر پر از دشمن باشه بهتره تا خالی باشه !

خانه خرس و بادیه مس ؟

خانه داماد عروسیست، خانه عروس هیچ خبری نیست !

خانه دوستان بروب و در دشمنان را مکوب !

خانه قاضی گردو بسپاره شماره هم داره !

خانه کلیمی نرفتم وقتی هم رفتم شنبه رفتم !

خانه نشینی بی بی از بی چادریست !

خانه همسایه آتش میپزند بمن چه ؟!

خدا به آدم گدا، نه عزا بده نه عروسی !

خدا برف را به اندازه بام میده !

خدا جامه میدهد کو اندام ؟ نان میدهد کو دندان ؟

خدا خر را شناخت، شاخش نداد !

خدا داده بما مالی، یک خر مانده سه تا نالی !

خدا دیر گیره، اما سخت گیره !

کاری از شاهین کریم زاده

خدا را بنده نیست!

خدا روزی رسان است، اما هنی هم می خواد!

خدا سرما را بقدر بالا پوش میده!

خدا شاه دیواری خراب کنه که این چاله ها پر بشه!

خدا گر ببندد ز حکمت دری --- ز رحمت گشاید در دیگری!

خدا میان دانه گندم خط گذاشته!

خدا میخواهد بار را بمنزل برساند من نه، یک خر دیگه!

خدا نجار نیست اما در و تخته رو خوب بهم میندازه!

خدا وقتی بخواد بده، نمپرسه تو کی هستی؟

خدا وقتی ها میده، ور ور جماران هم، ها میده!

خدا همه چیز را به یک بنده نمی ده!

خدا همونقدر که بنده بد داره، بنده خوب هم داره!

خدایا آنکه را عقل دادی چه ندادی و آنکه را عقل ندادی چه دادی؟ ((خواجه عبدالله انصاری))

خدا یه عقل زیاد بتو بده یه پول زیاد بمن!

خر، آخور خود را گم نمیکنه!

خراب بشه باغی که کلیدش چوب مو باشه!

خر، ار جل ز اطلس بپوشد خر است!

خر است و یک کیله جو!

خر از لگد خر ناراحت نمیشه!

خر باربر، به که شیر مردم در!

خر به بوسه و پیغام آب نمی خوره!

خر بزه شیرین مال شغاله!

خر بزه که خوردی باید پای لرزش هم بشینی!

خر بزه میخواهی یا هندوانه : هر دو دانه!

خر بیارو باقلا بار کن!

کاری از شاهین کریم زاده

خر، پایش یک بار به چاله میره !

خرچ که از کیسه مهمان بود --- حاتم طایی شدن آسان بود !

خر چه داند قیمت نقل و نبات ؟

خر خالی یرقه میره !

خر، خسته - صاحب خر، ناراضی !

خر خفته جو نمی خوره !

خر دیزه است، به مرگ خودش راضی است تا ضرر بصاحبش بزنه !

خر را با آخور میخوره، مرده را با گور !

خر را جایی می بندند که صاحب خر راضی باشه !

خر را که به عروسی میبرند، برای خوشی نیست برای آبکشی است !

خر را گم کرده پی نعلش میگرده !

خر، رو به طویله تند میره !

خرس، تخم میکنه یا بچه ؟ از این دم بریده هر چی بگی برمیداد !

خرس در کوه، بو علی سیناست !

خرس شکار نکرده رو پوستشو نفروش !

خر سواری را حساب نمیکنه !

خر، سی شاهی ، پالون دو زار !

خر کریم را نعل کردن !

خر که جو دید، گاه نمیخوره !

خر، که علف دید گردن دراز میکنه !

خر گچ کش روز جمعه از کوه سنگ میاره !

خر لغت را پالانشو بر نمیدارند!

خر ما از کرگی دم نداشت !

خر ناخنکی صاحب سلیقه میشود !

خروار نمکه، مثقال هم نمکه !

کاری از شاهین کریم زاده

خر وامانده معطل چشمه !

خروسی را که شغال صبح میبیره بگذار سر شب بیره !

خر، همان خره پالانش عوض شده !

خریت ارث نیست بهره خداداده س !

خری که از خری وابمونه باید یال و دمشو برید !

خوشبخت آنکه خورد و کشت، بدبخت آنکه مرد و هشت !

خواب پاسبان، چراغ دزده !

خنده کردن دل خوش میخواد و گریه کردن سر وچشم !

خواهر شوهر، عقرب زیر فرشه !

خواست زیر ابروشو برداره، چشماشو کور کرد !

خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو !

خوبی لر به آنست که هر چه شب گوید روزنه انست !

خودتو خسته ببین، رفیقتو مرده !

خودشو نمیتونه نگهداره چطور منو نگه میداره ؟

خود گوئی و خود خندی، عجب مرد هنر مندی !

خودم کردم که لعنت بر خودم باد !

خوردن خوبی داره ، پس دادن بدی !

خوشا بحال کسانی که مردند و آواز ترا نشنیدند !

خوشا چاهی که آب از خود بر آرد !

خوش بود گر محک تجربه آید بمیان --- تا سیه روی شود هر که در او غش باشد .

خوش زبان باش در امان باش !

خولی بکفم به که کلنگی بهوا !

یک ده آباد به از صد شهر خراب !

خونسار است و یک خرس !

خیر در خانه صاحبش را میثناسد !

کاری از شاهین کریم زاده

خیک بزرگ، روغنش خوب همیشه !

دادن بدیوانگی گرفتن بعاقلی !

دارندگیست و برازندگی !

داری طرب کن، نداری طلب کن !

داشتم داشتم حساب نیست، دارم دارم حساب !

دانا داند و پرسد نادان نداند و نپرسد !

دانا گوشت میخورد نادان چغندر !

دانه فلفل سیاه و خال مهرویان سیاه --- هر دو جانسوز است اما این کجا و آن کجا !

دایه از مادر مهرباتر را باید پستن برید !

دختر، تخم تر تیزک است !

دختر تنبل، مادر کدبانو را دوست داره !

دخترمیکوهی ماماش را بین --- کرباس میخواهی پهناش را ببین !

دختر همسایه هر چه چل تر برای ما بهتر !

دختری که مادرش تعریف بکنه برای آقا دائیش خوبه !

درازی شاه خانم به پهنای ماه خانم در !

در بیابان گرسنه را شلغم پخته به ز نقره خام !

در بیابان لنگه کفش، نعمت خداست !

در پس هر گریه آخر خنده ایست !

در جنگ، حلوا تقسیم نمیکنند !

در جوانی مستی، در پیری سستی، پس کی خدا پرستی؟! !

در جهان هر کس که داره نان مفت، میتواند حرفهای خوب گفت !

در جهنم عقربی هست که از دستش به مار غاشیه پناه میبرند !

در جیبش را تار عنکبوت گرفته است !

در چهل سالگی طنبور میآموزد در گور استاد خواهد شد !

در حوضی که ماهی نیست ، قورباغه سیهسالاره !

کاری از شاهین کریم زاده

در خانه ات را ببند همسایه تو دزد نکن !

در خانه اگر کس است یکحرف بس است !

در خانه بیعاره ها نقاره میزنند !

در خانه مور، شبنمی طوفانست !

در خانه هر چه، مهمان هر که !

درخت اگر متحرک شدی ز جای بجای --- نه جور اره کشیدی نه جفای تبر !

درخت پر بار، سنگ میخوره !

درخت پر بار، سنگ میخوره !

درخت کاهلی بارش گرسنگی است !

درخت کج جز باتش راست نمیشه !

درخت گردکان باین بلندی --- درخت خریزه الله اکبر !

درخت هر چه بارش بیشتر بشه، سرش پائین تر میاد !

درد دل خودم کم بود، اینهم قرقر همسایه !

درد، کوه کوه میاد، مومو میره !

در دروازه را میشه بست، اما در دهن مردم و نمیشه بست !

در دنیا همیشه بیک پاشنه نمیچرخه !

در دنیا یه خوبی میمونه یه بدی !

در دیزی وازه، حیای گریه کجا رفته !

در زمستان، الو، به از پلوه !

در زمستان یه جل بهتر از یه دسته گله !

درزی در کوزه افتاد !

در زیر این گنبد آبنوسی، یکجا عزاست یکجا عروسی !

درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی --- جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را . ((نظیری نیشابوری))

در شهر کورها یه چشمی پادشاست !

در شهر نی سواران باید سوار نی شد !

کاری از شاهین کریم زاده

در عفو لذتیست که در انتقام نیست !

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست ! ((حافظ شیرازی))

در کف شیر تر خونخواره ای --- غیر از تسلیم و رضا کو چاره ای ؟

در مجلس خود راه مده همچو منی را --- کافسرده دل افسرده کند انجمنی را !

درم داران عالم را کرم نیست --- کریمان را بدست اندر درم نیست !

در مسجده، نه کند نیست نه سوزوندنی !

در نمک ریختن توی دیگ باید به مرد پشت کرد !

در ویش از ده رانده، ادعای کدخدائی کند !

در ویش مومیائی، هی میگی و نمیائی !

در ویش را گفتند : در دکاتو ببند دهنشو هم گذاشت !

در، همیشه بیک پاشنه نمیگرده !

در هفت آسمان یک ستاره نداره !

دزد، آب گرون میخوره !

دزد بازار آشفته میخواهد!

دزد باش و مرد باش !

دزد به یک راه میرود، صاحب مال به هزار راه !

دزد حاضر و بز حاضر !

دزد ناشی به کاهدون میزنه !

دزدی آنهم شلغم ؟ !

دزدی که نسیم را بدزدد دزد است !

دست بالای دست بسیار است . ((در جهان پیل مست بسیار است ...))

دست به دنبک هر کی بزنی صدا میده !

دست بریده قدر دست بریده را میدونه !

دست بشکند در آستین، سر بشکند در کلاه !

دست بیچاره چون بجان نرسد --- چاره جز پیرهن دریدن نیست !

کاری از شاهین کریم زاده

دست بی هنر کفچه گدئیست !

دست پشت سر نداره !

دست پیش را گرفته که پس نیفته !

دستت چربه، بمال سرت !

دستت چو نمیرسد به خانم --- دریاب کنیز مطبخی را !

دستت چو نمیرسد به کوکو، خشکه پلو را فرو کو !

دست تنگی بدتر از دلتنگی است !

دست خالی برای تو سر زدن خوبه !

دست در کاسه و مشت در پیشانی !

دست، دست را میشناسه !

دست دکاندار تلخ است !

دست راست را از چپ نمیشناسه !

دستش به خر نمیرسه پالان خر را بر میدارد !

دستش به دم گاو بند شده !

دستش به عرب و عجم بند شده است !

دستش بدهنش میرسه !

دستش در کیسه خلیفه است !

دستش را به کمرش گرفته که از بیگی نیفته !

دستش شیره ایست یا دستش چسبناک است !

دستش را توی حنا گذاشت !

دست شکسته بکار میره، دل شکسته بکار نمیره !

دست شکسته وبال گردنه !

دستش نمک نداره !

دست کار دل و نمیکنه و دل کار دست و نمیکنه !

دستش کچه !

کاری از شاهین کریم زاده

دست که به چوب بردی گریه دزده حساب کار خودشو میکنه !

دست که بسیار شد برکت کم می شود !

دست ما کوتاه و خرما بر نخیل . ((پای ما لنگ است و منزل بس دراز)) ((حافظ شیرازی))

دست ننت درد نکنه !

دست و روت را بشور منم بخور !

دست و رویش را با آب مرده شور خانه شسته است !

دستی را که حاکم بیره خون نداره یا دیه نداره !

دستی را که نمیتوان برید باید بوسید !

دستی را که از من برید، خواه سگ بخورد خواه گریه !

دشمنان در زندن با هم دوست شوند !

دشمن دانا بلندت میکند --- بر زمینت میزند نادان دوست !

دشمن دانا که غم جان بود --- بهتر از دوست که نادان بود . ((نظامی))

دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد . ((دانی که چه گفت زال با رستم گرد)) ((سعدی))

دعا خانه صاحبش را میشناسد !

دعا کن ((الف)) بمیره یا دعا کن بابات بمیره !

دعوا سر لحاف ملا نصرالدین بود !

دلاکها که بیکار میشوند سر هم را میتراشند !

دل بیغم در این عالم نباشد --- اگر باشد بنی آدم نباشد .

دل سفره نیست که آدم پیش هر کس باز کنه !

دلش درو طاقچه نداره !

دلم خوشه زن بگم اگر چه کمتر از سگم !

دلو همیشه از چاه درست در نییاد !

دماغش را بگیر جانش در میاد !

دم خروس از جیبش پیداست !

دمش را توی خمره زده است !

کاری از شاهین کریم زاده

دندن اسب پیشکشی را نمیشمارند !

دنده را شتر شکست، تاوانش را خر داد !

دنیا پس از مرگ ما، چه دریا چه سراب !

دنیا دمش درازه !

دنیا جای آزمایش است، نه جای آسایش !

دنیا، دار مکافات !

دنیا را آب بیره او را خواب میبیره !

دنیا را هر طور بگیری میگذره !

دنیایش مثل آخرت یزیده !

دنیا محل گذره !

دو تا در را پهلوی هم میگذارند برای اینست که به درد هم برسند !

دو خروس بچه از یک مرغ پیدا میشوند، یکی ترکی میخونه یکی فارسی !

دود از کنده بلند میشه !

دود، روزنه خودشو پیدا میکنه !

دو دستماله میرقصه !

دور اول و بد مستی ؟

دور دور میرزا جلاله ، یک زن به دو شوهر حلاله !

دوری و دوستی !

دوست آنست که بگریاند. دشمن آنست که بخنداند !

دوست همه کس، دوست هیچکس نیست !

دوستی بدوستی در، جو بیار زرد آکو ببر !

دوستی دوستی از سرت میکنند پوستی؟!

دومد گفته چو نیم کردار نیست !

دو صد من استخوان باید که صدمن بار بردارد !

دوغ در خانه ترش است !

کاری از شاهین کریم زاده

دوغ و دوشاب در نظرش یکیست !

دو قرت و نیمش باقیه !

دو قرص نان اگر از گندم است و گر از جو --- دوتای جامه اگر کهنه است و گر از نو .

هزار مرتبه بهتر بنزد ابن یمین --- زفرمملکت کیقباد و کیخسرو .

ده انگشت را خدا برابر نیافریده !

ده، برای کدخدا خوبه و برادرش !

ده درویش در گلیمی بخشند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجد .

دهنش آستر داره !

دهنش چاک و بست نداره !

دهن مردم را نمیشود بست !

دهنه جیبش را تار عنکبوت گرفته !

دیده می بینه، دل میخواد !

دیر آمده زود میخواد بره !

دیر زائیده زود میخواد بزرگ کنه !

دیشب همه شب کمچه زدی کو حلوا !?

دیگ به دیگ میگه روت سیاه ، سه پایه میگه صل علی !

دیگران کاشتند ما خوردیم، ما میکاریم دیگران بخورند !

دیگ ملا نصرالدین است !

دیوار حاشا بلنده !

دیوار موش داره ، موش هم گوش داره !

دیوانه چو دیوانه به بیند خوشش آید !

ذات نایافته از هستی بخش --- کی تواند که شود هستی بخش؟! ((جامی))

ذره ذره کاندیرین ارض و سماست --- جنس خود را همچو گاه و کهریاست . ((مولوی))

ذره ذره جمع گردد وانگهی دریا شود .

راستی هیبت الهی یا میخواهی منو بترسونی !?

کاری از شاهین کریم زاده

راه دزد زده تا چهل روز امنه !

راه دویده، کفش دریده !

رحمت بکفن دزد اولی !

رخت دو جاری را در یک طشت همیشه شست !

رستم است و یکدست اسلحه !

رستم در حمام است !

رستم صولت و افندی پیزی !

رسیده بود بلایی ولی به خیر گذشت . ((نریخت درد می و محتسبز دیر گذشت ...)) ((آصفی هروی))

رطب خورده کی منع رطب چون کند !

رفت زیر ابروش را برداره چشمش را هم کور کرد !

رفت به نان برسه بجان رسید !

رفتم ثواب کنم کباب شدم !

رفتم خونه خاله دلم واشه ، خاله خسیید دلم پوسید !

رفتم شهر کورها ، دیدم همه کور، منهم کور !

رقاصه نمیتونست برقصه میگفت زمین کجه !

رند را بند و قحبه را پند سود نکند !

رنگم ببین و حالمو نپرس !

روبرو خاله و پشت سر چاله !

روده بزرگه روده کوچیکه رو خورد !

روز از نو، روزی از نو !

روز گار آئینه را محتاج خاکستر کند !

روزگار است اینکه گه عزت دهد و گه خوار دارد --- چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد . ((قائم مقام فراهانی))

روزه خوردنشو دیدم، ولی نماز کردنش را ندیده ام !

روزی به قدمه !

روزی گریه دست زن شلخته است !

کاری از: شاهین کریم زاده

روضه خوان پشمه چال است !

روغن چراغ ریخته وقف امامزاده !

روغن روی روغن میره ، بلغور، خشک میمونه !

رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز --- تا داد خود از کهنتر و مهتر بستانی . ((عیبید زاکانی))

روی گدا سیاهه ولی کیسه اش پره !

ریسمان سوخت و کجیش بیرون نرفت !

ریش و فیچی هر دو در دست شماست !

ز آب خرد، ماهی خرد خیزد --- نهنگ آن به که از دریا گریزد !

زاغم زد و زو غم زد، پس مانده کلاغ کورم زد !

زبان بریده بکنجی نشسته صم بکم --- به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم . ((سعدی))

زبان خر را خلج میدونه !

زبان خوش، مار را از سوراخ بیرون میآورد !

زبان سرخ سر سبز میدهد بر باد --- بهوش باش که سر در سر زبان نکنی .

زبان گوشت است بهر طرف که بچرخانی میچرخه !

زخم زبان از زخم شمشیر بدتره !

زدی ضربتی ضربتی نوش کن !

زرد آلو را میخورند برای هسته اش !

زرنگی زیاد فقر میآره !

زرنگی زیاد مایه جوانمرگیست !

ز عشق تا بصبوری هزار فرسنگ است ! ((دلی که عاشق و صابر بود مگر سنگ است ؟)) ((سعدی))

زعفران که زیاد شد بخورد خر میدهند !

زکوه تخم مرغ یک دانه پنبه دونه است !

زمانه ایست که هر کس بخود گرفتار است ! ((تو هم در آینه حیران حسن خویشی ...)) ((آصفی هروی))

زمانه با تو نسازد، تو با زمانه بساز !

زمستان رفت و رو سیاهی به زغال موند !

کاری از شاهین کریم زاده

زن آبستن گل میخوره اما گل داغستان !

زن ازغازه سرخ رو شود و مرد از غزا !

زن بد را اگر در شیشه هم بکنند کار خودشو میکنه !

زن بلاست ، اما الهی هیچ خانه ای بی بلا نباشه !

زن بیوه را میوه اش میخواهند !

زن تا نژائیده دلبره، وقتیکه زائید مادره !

زن جوان را تیری به پهلو نشیند به که پیری !

زن راضی، مرد راضی، گور پدر قاضی !

زن سلیطه سگ بی قلاده است !

زن که رسید به بیست، باید بحالش گریست !

زنگوله پای تابوت !

زن نجیب گرفتن آسونه، ولی نگهداریش مشکله !

زن و شوهر جنگ کنند، ابلهان باور کنند !

زنی که جهاز نداره، اینهمه ناز نداره !

زورش بخر نمیرسه پالون خر را بر میداره !

زور داری، حرفت پیشه !

زور دار پول نمیخواد، بی زور هم پول نمیخواد !

زهر طرف که کشته شود اسلام است !

زیر اندزش زمین است و رواندازش آسمون !

زیر پای کسی پوست خربزه گذاشتن !

زیر دمش سست است !

زیر دیگ اتش است و زیر آدم آدم !

زیر سرش بلنده !

زیر شالش قرصه !

زیر کاسه نیم کاسه ایست .

کاری از شاهین کریم زاده

زیره به کرمان میبره !

سال به دوازده ماه ما می بینیم یکدفعه هم تو بین !

سال به سال دریغ از پارسال !

سالها میگذاره تا شنبه به نوروز بیفته !

سالی که نکوست از بهارش پیداست !

سبوی خالی را بسبوی پر مزن !

سبوی نو آب خنک دارد !

سبیلش آویزان شد !

سبیلش را باید چرب کرد !

سپلشت آید و زن زاید و مهمان عزیزت برسد !

سخن خود تو کجا شنیدی، اونجا که حرف مردم شنیدی !

سر بریده سخن نگوید !

سر بزرگ بلای بزرگ داره !

سر بشکنه در کلاه، دست بشکنه در آستین !

سر بی صاحب میتراشه !

سر بیگناه، پای دار میره اما بالای دار نمیره !

سر پیری و معرکه گیری !

سر تراشی را از سر کچل ما میخواد یاد بگیره !

سر حلیم روغن میرود !

سر خر باش، صاحب زر باش !

سر را با پنبه میبرد !

سر را قمی می شکنه تاوانش را کاشی میده !

سر زلف تو نباشد سر زلف دگری !

سرش از خودش نیست .

سرش به تنش زیادی میکنه !

کاری از: شاهین کریم زاده

سرش به کلاش میارزه !

سرش بوی قرمه سبزی میده !

سرش توی حسابه !

سرش توی لاک خودشه !

سرش جنگه اما دلش تنگه !

سرش را پیراهن هم نمیدونه !

سر قبری گریه کن که مرده توش باشه !

سر قبرم کثافت نکن از فاتحه خواندنت گذشتم !

سر کچل را سنگی و دیوانه را دنگی !

سر کچل و عرقچین !

سرکه مفت از عسل شیرین تره !

سرکه نقد بهتر از حلوای نسبه است !

سرکه نه در راه عزیزان بود --- بار گرانیست کشیدن بدوش ! ((سعدی))

سر گاو توی خمره گیر کرده !

سر گنجشکی خورده !

سر گنده زیر لحافه !

سرم را میشکنه نخودچی جیبم میکنه !

سرم را سرسری متراش ای استاد سلمانی --- که ما هم در دیار خود سری داریم و سامانی .

سرنا را از سر گشادش میزنه !

سرناچی کم بود یکی هم از غوغه اومد !

سری را مه درد نیمکند دستمال میند !

سری که عشق ندارد کدوی بی بار است . ((لبی که خنده ندارد شکاف دیوار است ...))

سری که عشق ندارد کدوی بی بار است . ((لبی که خنده ندارد شکاف دیوار است ...))

سزای گرانفروش نخریدنه !

سسک هفت تا بچه میآره یکیش بلبله !

کاری از شاهین کریم زاده

سفره بی نان جله، کوزه بی آب گله !

سفره نیفتاده (نینداخته) بوی مشک میده !

سفره نیفتاده یک عیب داره ! سفره افتاده هزار عیب !

سفید سفید صد تومن، سرخ و سفید سیصد تومن، حالا که رسید به سبزه هر چی بگی میارزه !

سقش سیاه است !

سگ بادمش زیر پاشو جارو میکنه !

سگ باش، کوچک خونه نباش !

سگ پاچه صاحبش را نمیگیره !

سگ، پدر نداشت سراغ حاج عموشو میگرفت !

سگ چیه که پشمش باشه !

سگ در حضور به از برادر دور !

سگ در خانه صاحبش شیره !

سگ داد و سگ توله گرفت !

سگ دستش نمیشه داد که اخته کنه !

سگ را که چاق کنند هار میشه !

سگ زرد برادر شغاله !

سگست آنکه با سگ رود در جوال !

سگ سفید ضرر پنبه فروشه !

سگ سیر دنبال کسی نمیره !

سگش بهتر از خودشه !

سگ که چاق سد گوشتش خوراکی نمیشه !

سگ گر و قلاده زر !؟

سگ ماده در لانه، شیر است !

سگ نازی آباده، نه خودی میشناسه نه غریبه !

سگ نمک شناس به از آدم ناسپاس !

کاری از شاهین کریم زاده

سگی به بامی جسته گردش به ما نشسه !

سگی که برای خودش پشم نمیکند برای دیگران کشک نخواهد کرد !

سگی که پارس کنه ، نمیگیره !

سلام روستائی بی طمع نیست !

سندۀ را انبر دم دماغش نمیشه برد !

سنگ به در بسته میخوره !

سنگ بزرگ علامت نزدنه !

سنگ بنزاز بغلت واشه !

سنگ خاله قورباغه را گرو میکشه !

سنگ کوچک سر بزرگ را میشکنه !

سنگ مفت، گنجشک مفت !

سنگی را که نتوان برداشت باید بوسد و گذاشت !

سواره از پیاده خبر نداره، سیر از گرسنه !

سودا، به رضا، خوبشی بخوشی .

سودا چنان خوشست که یکجا کند کسی ! ((دنیا و آخرت به نگاهی فروختیم)) ((قصاب کاشانی))

سودا گر پنیر از شیشه میخوره !

سودای نقد بوی مشک میده !

سوراخ دعا را گم کرده !

سوزن، همه را میپوشونه اما خودش لخته !

سوسکه از دیوار بالا میرفت مادرش میگفت : قربون دست و پای بلوریت !

سهره (سیره) رنگ کرده را جای بلبل میفروشه !

سیب سرخ برای دست چلاق خوبه ؟!

سیب مرا خوردی تا قیامت ابریشم پس بده !

سیبی که بالا میره تا پائین بیاد هزار چرخ میخوره !

سیبی که سهیلش نزند رنگ ندارد ! ((تعلیم معلم بکسی ننگ ندارد))

کاری از شاهین کریم زاده

سیلی نقد به از حلوای نسیه !

شاگرد اتو گرم، سرد میارم حرفه، گرم میارم حرفه !

شاه خانم میزاد، ماه خانم درد میکشه !

شاه می بخشه شیخ علیخان نمی بخشه !

شاهنامه آخرش خوشه !

شب دراز است و قلندر بیکار !

شب سمور گذشت و لب تنور گذشت !

شب عید است و یار از من چغندر پخته میخواهد --- گمانش میرسد من گنج قارون زیر سر دارم !

شبهای چهارشنبه هم غش میکنه !

شپش توی جیبش سه قاب بازی میکنه !

شپش توی جیبش منیژه خانومه !

شتر اگر مرده هم باشد پوستش بار خره !

شتر بزرگه زحمتش هم بزرگه !

شتر پیر شد و شاشیدن نیاموخت !

شتر خوابیده شم بلندتر از خر ایستاده است !

شتر در خواب بیند پنبه دانه --- گهی لف خورد گه دانه دانه !

شتر دیدی ندیدی ؟!

شتر را چه به علاقه بندی ؟

شتر را گفتند : چرا شاشت از پسه ؟ گفت : چه چیزم مثل همه کسه !

شتر را گفتند : چرا گردنت کچه ؟ گفت : کجام راسته !

شتر را گفتند : چکاره ای ؟ گفت : علاقه بندم . گفتند : از دست و پنجه نرم و نازکت پیداست !

آن یکی می گفت استر را که هی --- از کجا می آیی ای فرخنده پی

گفت : از حمام گرم کوی تو --- گفت : خود پیداست از زانوی تو !

شتر را گم کرده پی افسارش میگرده !

شتر سواری دولا دولا نمیشه !

کاری از شاهین کریم زاده

شتر که نواله میخواد گردن دراز میکنه !

شتر کجاش خوبه که لبش بده !؟

شتر گاو پلنگ !

شتر مرد و حاجی خلاص !

شتر مرغ را گفتند : بار بردار . گفت : من مرغم . گفتند : پرواز کن . گفت : من شترم !

شترها را نعل میکردند، کک هم پایش را بلند کرد !

شراب مفت را قاضی هم میخوره !

شریک اگر خوب بود خدا هم شریک میگرفت !

شریک دزد و رفیق قافله !

شست پات توی چشمت نره !

شش ماهه به دنیا اومده !

شعر چرا میگی که توی قافیه اش بمونی !؟

شغال، پوزش بانگور نمیرسه میگه ترشه !

شغال ترسو انگور خوب نمیخوره !

شغال که از باغ قهر کنه منفعت باغبونه !

شغالی که مرغ میگیره بیخ گوشش زرده !

شکمت گوشت نو بالا آورده !

شکم گشنه، گوز فندقی !

شلوار نداره، بند شلوارش را می بنده !

شمر جلودارش نمیشه !

شنا بلد نیست زیر آبکی هم میره !

شنا بلد نیست زیر آبکی هم میره !

شنونده باید عاقل باشه !

شنیدی که زن آبستن گل میخوره اما نمیدونی چه گلی !

شوهر کردم وسمه کنم نه وصله کنم !

کاری از شاهین کریم زاده

شوهر برود کاروانسرا، نونش بیاد حرمسرا !

شوهرم شغال باشد، نونم در تغار باشد !

شیر بی یال و اشکم که دید --- اینچنین شیری خدا هم نافرید . ((مولوی))

صابونش به جامه ما خورده !

صبر کوتاه خدا سی ساله !

صداش صبح در میاد !

صد پتک زرگر، یک پتک آهنگر !

صد تا گنجشک با زاق و زوقش نیم منه !

صد تا چاقو بسازه، یکیش دسته نداره !

صد تومن میدم که بچه ام یکشب بیرون خوابه وقتی خوابید ، چه یکشب چه هزار شب !

صد رحمت به کفن دزد اولی !

صد سال گدائی میکنه هنوز شب جمعه را نمیدونه !

صد سر را کلاه است و صد کور را عصا !

صد من پرغو یکمشت نیست !

صد من گوشت شکار به یک چس تازی نمیارزه !

صد موش را یک گربه کافیه !

صفر اش به یک لیمو می شکنه !

صنار جیگرک سفره قلمگار نمی خواد !

صنار میگیرم سگ اخته میکنم، یه عباسی میدم غسل میکنم !

ضرب خورده جراحه !

ضرر را از هر جا جلوشو بگیری منفعته !

ضامن روزی بود روزی رسان !

ضرر بموقع بهتر از منفعت بیموقعه !

ضرر کار کن، کار نکردنه !

کاری از: شاهین کریم زاده

طاس اگر نیک نشیند همه کس نراد است!

طالع اگر اری برو دمر بخواب!

طاووس را به نقش و نگاری که هست خلق --- تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش! ((سعدی))

طبل تو خالیست!

طیب بیمرت، خلق را رنجور میخاهد!

طشت طلا رو سرت بگیر و برو!

طعمه هر مرغی انجیر نیست!

طمع آرد بمردان رنگ زردی!

طمع پیشه را رنگ و رو زرده!

طمع را نباید که چندان کنی --- که صاحب کرم را پشیمان کنی!

طمع زیاد مایه جونم مرگی (جوانمرگی) است!

طمعش از کرم مرتضی علی بیشتره!

ظالم پای دیوارِ خودشو، میکنه!

ظالم دست کوتاه!

ظالم همیشه خانه خرابه!

ظاهرش چون گور کافر پر حلال --- باطنش قهر خدا عزوجل!

عاشقان را همه گر آب برد --- خوبرویان همه را خواب برد. ((ایرج میرزا))

عاشق بی پول باید شبدر بچینه!

عاشقم پول ندارم کوزه بده آب بیارم!

عاشقی پیدااست از زاری دل --- نیست بیماری چو بیماری دل. ((مولوی))

عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد! ((حافظ))

عاشقی کار سری نیست که بر بالین است! ((سعدی))

عاقبت جوینده باینده بود! ((مولوی))

عاقبت گرگ زاده گرگ شود --- گر چه باآدمی بزرگ شود. ((سعدی))

کاری از شاهین کریم زاده

عاقل بکنار آب تا پل میجست --- دیوانه پا برهنه از آب گذشت !

عاقل گوشت میخوره، بی عقل بادمجان !

عالم بی عمل، زنبور بی عسله !

عالم شدن چه آسون آدم شدن چه مشکل !

عالم ناپرهیزکار، کوریست مشعله دار !

عبادت بجز خدمت خلق نیست --- به تسییح و سجاده و دلوق نیست ! ((سعدی))

عجب کشگی ساییدیم که همش دوغ پتی بود !

عجله، کار شیطونه !

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد !

عذر بدر از گناه !

عروس بی جهاز، روزه بی نماز، دعای بی نیاز، قرمه بی پیاز !

عروس تعریفی عاقبت شلخته در آمد !

عروس که بما رسید شب کوتاه شد !

عروس مردنی را گردن مادر شوهر نگذارید !

عروس میاد وسمه بکشه نه وصله بکنه !

عروس نمیتونست برقصه میگفت : زمین کجه !

عروس را که مادرش تعریف کنه برای آقا دائیش خوبه !

عروس که مادر شوهر نداره اهل محل مادر شوهرشند !

عزیز کرده خدا را نمیشه ذلیل کرد !

عزیز پدر و مادر !

عسس بیا منو بگیر !

عسل در باغ هست و غوره هم هست !

عسل نیستی که انگشتت بزند !

عشق پیروی گر بجنبد سر به رسوائی زند !

عقد پسر عمو و دختر عمو را در آسمان بسته اند !

کاری از: شاهین کریم زاده

عقلش پاره سنگ بر میداره !

عقل که نیست چون در عذابه !

عقل مردم به چشمشونه !

عقل و گهش قاطی شده !

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد . ((... دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست)) ((سعدی))

علاج بکن کز دلم خون نیاید . ((سرشک از رخم پاک کردن چه حاصل ...)) ((میر والهی))

علف بدهان بزی باید شیرین بیاد !

عیدت را اینجا کردی نوروزت را برو جای دیگه !

غاز میچرونه !

غربال را جلوی کولی گرفت و گفت : منو چطور می بینی ؟ گفت : هر طور که تو منو میبینی !

غلام به مال خواجه نازد و خواجه به هر دو !

غلیان بکشیم یا خجالت ! ((مائیم میان این دو حالت ...))

غم مرگ برادر را برادر مرده میداند !

غوره نشده مویز شده است !

فردا که برمن و تو وزد باد مهرگان --- آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست ؟ ((ناصر خسرو))

فرزند بی ادب مثل انگشت ششمه، اگر ببری درد داره ، اگر هم نبری زشته !

فرزند عزیز نور دیده --- از دبه کسی ضرر ندیده !

فرزند کسی نمیکند فرزندى --- گر طوق طلا به گردنش بر بندى !

فرزند عزیز دردونه، یا دنگه یا دیوونه !

فرشش زمینه، لحافش آسمون !

فرش، فرش قالی، ظرف، ظرف مس، دین، دین محمد !

فضول را بجهنم بردند گفت : هیزمش تره !

فقیر، در جهنم نشسته است !

فکر نان کن که خریزه آبه !

کاری از شاهین کریم زاده

فلفل نبین چه ریزه بشکن ببین چه تیزه !

فلک فلک، بهمه دادی منقل، به ما ندادی یک کلک !

فواره چون بلند شود سرنگون شود !

فیل خوابی می بیند و فیلبان خوابی !

فیلش یاد هندوستان کرده !

فیل و فتجان !

فیل زنده اش صد تومنه، مرده شم صد تومنه !

قاپ قمار خونه است !

قاتل بیای خود پای دار میره !

قاچ زین را بگیر اسب دوانی پیشکشت !

قاشق سازی کاری نداره، مشت میزنی توش گود میشه، دمش را میکشی دراز میشه !

قاشق نداری آش بخوری نوتو کج کن بیل کن !

قاطر را گفتند : پدرت کیست ؟ گفت : اسب آقاداتیمه !

قاطر را گفتند : پدرت کیست ؟ گفت : اسب آقاداتیمه !

قاطر پیش آهنگ آخرش توبره میشه !

قبا سفید قبا سفیده !

قبای بعد از عید برای گل منار خوبه !

قدر زر، زرگر شناسد قدر گوهر، گوهری .

قران کنند حرز و امام مبین کشند ! ((یاسین کنند ورد وبه طاها کشند تیغ ...))

قربون برم خدا رو، یک بام و دو هوا رو، اینور بام گرما را اون ور بام سرما رو !

قربون بند کیفیتم، تا پول داری رفیقتم !

قربون سرت آقا ناشی، خرجم با خودم آقام تو باشی !

قربون چشمهای بادومیت – ننه من بادوم !

قربون چماق دود کشت گاه، بده جوش پیشکشت !

کاری از شاهین کریم زاده

قرض که رسید به صد تومن، هر شب بخور قیمه پلو!

قسمت را باور کنم یا دم خروس را!؟

قسم نخور که باور کردم!

قلم، دست دشمنه!

قم بید و قنبید، اونهم امسال نبید!

قوم و خویش، گوشت هم را میخورند استخوان هم را دور نمیندازند.

کاچی بهتر از هیچی است!

کار از محکم کاری عیب نمیکنه!

کار بوزینه نیست نجاری!

کار خر و خوردن یابو!

کارد، دسته خودشو نمی بره!

کار نباشه زرنگه!

کار، نشد نداره!

کار هر بز نیست خرمن کوفتن --- گاو نر میخواهد و مرد کهن.

کاری بکن بهر ثواب - نه سیخ بسوزه نه کیاب!

کاسه گرمتر از آتش!

کاسه جانی رود که شاه تغار باز آید!

کاسه را کاشی میشکنه، تاوانش را قمی میده!

کاشکی را کاشتند سبز نشد!

کاشکی نتم زنده میشد - این دورانم دیده میشد!

کافر همه را بکیش خود پندارد!

کاه از خودت نیست کاهدون که از خودته!

کاه بده، کالا بده، دو غاز و نیم بالا بده!

کاه پیش سگ، استخوان پیش خر!

کاه را در چشم مردم می بینه کوه را در چشم خودش نمی بینه!

کاری از: شاهین کریم زاده

کاهل به آب نمیرفت، وقتی میرفت خمره میبرد!

کباب پخته نگردهد مگر به گردیدن!

کبکش خروس میخونه!

کپه هم با فعله است؟!

کجا خوشه؟ اونجا که دل خوشه!

کج میگه اما رج میگه!

کچلی را گفتند: چرا زلف نمیگذاری؟ گفت: من از این قرتی گریها خوشم نیاید!

کچل نشو که همه کچلی بخت نداره!

کچلیش، کم آوازش!

کدخدا را ببین، ده را بچاپ!

کرایه نشین، خوش نشینه!

کرم داران عالم را درم نیست --- درم داران عالم را کرم نیست!

کرم درخت از خود درخته!

کژدم را گفتند: چرا بزمستان در نمیآی؟ گفت: بتابستانم چه حرمت است که در زمستان نیز بیرون آیم؟!

کس را وقوف نیست که انجام کار چیست! ((هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار)) [[حافظ]]

کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من!

کسی دعا میکند زنش نمیره که خواهر زن نداشته باشه!

کسی را در قبر دیگری نمی گذارند!

کسی که از آفتاب صبح گرم نشد از آفتاب غروب گرم نمیشه!

کسی که از گرگ میترسه گوسفند نگه نمیداره!

کسی که را مادرش زنا کنه، با دیگران چها کنه!

کسی که منار میدزده، اول چاهش را میکند!

کسی که خریزه می خوره، پای لرزش هم میشینه!

کشته از بسکه فزونست کفن نتوان کرد!

کفافی که دهد این باده بمستی ما --- خم سپهر تهی شد ز می پرستی ما .

کاری از: شاهین کریم زاده

کف دستی که مو نداره از کجاش میکنند!؟

کفتر سناری، یاکریم نمیخونه!

کفتر چاهی جاش توی چاهه!

کفشات جفت، حرفات مفت!

کفشاش یکی نوحه میخونه، یکی سینه میزنه!

کفگیرش به ته دیگ خورده!

کلاغ آمد چریدن یاد بگیره پریدن هم یادش رفت!

کلاغ از وقتی بچه دار شد، شکم سیر بخود ندید!

کلاغ از باغمون قهر کرد، یک گردو منفعت ما!

کلاغ از باغمون قهر کرد، یک گردو منفعت ما!

کلاغ خواست راه رفتن کبک را یاد بگیره راه رفتن خودش هم یادش رفت!

کلاغ، روده خودش در آمده بود اونوقت میگفت: من جراحم!

کلاغ سر لونه خودش قارقار نمیکنه!

کل اگر طبیب بودی سر خود دوا نمودی!

کلاه را که به هوا بیندازی تا پائین بیاید هزار تا چرخ میخوره!

کلاه کچل را آب برد گفت: برای سرم گشاد بود!

کلفتی نون را بگیر و نازکی کار را!

کلوخ انداز را پاداش سنگ است --- جواب است ای برادر این نه جنگ است.

کله اش بوی قرمه سبزی میده!

کله پز برخاست سگ جایش شنست!

کله گنجشکی خورده!

کمال همنشین در من اثر کرد --- وگر نه من همان خاکم که هستم. [[سعدی]]

کم بخور همیشه بخور!

کمم گیری کمم گیرم - نمرده ماتمم گیرم!

کنار گود نشسته میگه لنگش کن!

کاری از شاهین کریم زاده

کند همجنس با همجنس پرواز! ((کبوتر با کبوتر باز با باز ...))

کنگر خورده لنگر انداخته!

کور از خدا چی میخواهد؟ دو چشم بینا!

کور خود و بینای مردم!

کور شه اون دکانداری که مشتری خودشو نشناسه!

کور را چه به شب نشینی!

کور کور را میجوهره آب گودال را!

کور هر چی توی چپته خودشه خیال میکنه توی چپته رفیقش هم هست!

کوری دخترش هیچ، داماد خوشگل هم میخواهد!

کوزه خالی، زود از لب بام میافته!

کوزه گر از کوزه شکسته آب میخوره!

کوزه نو آب خنک داره!

کوزه نو دو روز آب را سرد نگه میداره!

کوسه دنبال ریش رفت سیبیلش از دست داد!

کوسه و ریش پهن!

کو فرصت!؟

کوه بکوه نمیرسه، آدم به آدم میرسه!

کوه، موش زائیده!

گابمه و آیمه و نوبت آسیابمه!

گاو پیشانی سفیده!

گاوش زائیده!

گاو نه من شیر!

گاه باشد که کودک نادان --- بغلط بر هدف زند تیری!

کاری از شاهین کریم زاده

گاهی از سوراخ سوزن تو میره گاهی هم از دروازه تو نمیره !

گدارو که رو بدی صاحبخونه میشه !

نرمی ز حد مبر که چو دندان مار ریخت ---- هر طفل نی سوار کند تازیانه اش ! [[صائب]]

گذر پوست به دباغخانه میافته !

گر بدولت برسی مست نگردي مردی !

گر بری گوش و گر زنی دمبم --- بنده از جای خود نمی جنبم !

گر به برای رضای خدا موش نمیگیره !

گر به تنبل را موش طبابت میکنه !

گر به دستش به گوشت نمیرسه میگه بو میده !

گر به را دم حمله باید کشت !

گر به را اگر در اطاق حبس کنی پنجه بروت میزنه !

گر به را گفتند : گهت درمونه خاک پاشید روش !

گر به روغن میخوره خانم دهنش بو میکنه !

گر به شب سموره !

گر به شیر است در گرفتن موش --- لیک موش است در مصاف پلنگ !

گر به مسکین اگر پر داشتی --- تخم گنجشک از زمین بر داشتی !

گر تو بهتر میزنی بستان بز !

گر تو قرآن بدین نمط خوانی --- ببری رونق مسلمانی را ! [[سعدی]]

گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را ! ((در کوی نیکنامی ما را گذر ندادند ...)) [[حافظ]]

گر جمله کائنات کافر گردند --- بر دامن کریاش ننشیند گرد !

گر حکم شود که مست گیرند --- در شهر هر آنچه هست گیرند !

گر در همه دهر یک سر نیشتر است --- بر پای کسی رود که از همه درویشتر است !

گر در یمنی چو با منی پیش منی --- و بر پیش منی چو بی منی در یمنی !

گرد نام پدر چه میگردی ؟ --- پدر خویش باش اگر مردی ! [[سعدی]]

گرز به خورند پهلوان !

کاری از شاهین کریم زاده

گر زمین و زمان بهم دوزی --- ندهندت زیاده از روزی !

گر صبر کنی ز غوره حلوا سازیم !

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست ؟!

گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده !

گرهی که با دست باز میشه نباید با دندان باز کرد !

گفت پیغمبر که چون کوبی دری --- عاقبت زآن در برون آید سری !

گفت : چشم تنگ دنیا دار را --- یا قناعت پر کند یا خاک گور ! [[سعدی]]

گفت : چشم تنگ دنیا دار را --- یا قناعت پر کند یا خاک گور ! [[سعدی]]

گفت : خونه قاضی عروسیست . گفت : بتو چه؟ گفت : مرا هم دعوت کرده اند . گفت : بمن چه ؟!

گفت : استاد! شاگردان از تو نمیترسند. گفت : منم از شاگردها نمیتروسم !

گفتند : خرس تخم میذاره یا بچه ؟ گفت : از این دم بریده هر چی بگی بر میاد!

گفتند : خریزه و عسل با هم نمیسازند . گفت : حالا که همچین ساخته اند که دارند منو از وسط بر میدارند !

گفتند : خریزه و عسل با هم نمیسازند . گفت : حالا که همچین ساخته اند که دارند منو از وسط بر میدارند !

گفتند : خریزه میخوری با هندوانه ؟ گفت : هر دودانه !

گفت : نوری خونه است ؟ گفتند : علاوه بر نوری دخترش هم خونه است . گفت : نور علی نور !

گل زن و شوهر را از یک تغار برداشته اند !

گله گیاهت بصرم ایشالاه عروسی پسرم !

گنج بی مار و گل بی خار نیست --- شادی بی غم در این بازار نیست ! [[مولوی]]

گنجشک امسال رو باش که گنجشک پارسالی را قبول نداره !

گنجشک با باز پرید افتاد و ماتحتش درید !

گنجشک با زاغ زوغش بیست تاش یه قرونه، گاو میش یکیش صد تومنه !

گندم از گندم بروید جو ز جو ! ((از مکافات عمل غافل نشو ...)) [[مولوی]]

گندم خوردیم از بهشت بیرونمان کردند !

گوساله بسته را میزنه !

گوسفند امام رضا را تا چاشت نمیچرونه !

کاری از: شاهین کریم زاده

گوسفند بفکر جونه، قصاب به فکر دنبه !

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من --- آنچه البته بجائی نرسد فریادست ! [[یغمای جندقی]]

گوشت جوان لب طاقچه است !

گوشت را از ناخن همیشه جدا کرد !

گوشت را از بغل گاو باید برید !

گوشت رانم را میخورم منت قصاب رو نمیکشم !

گوهر پاک بپاید که شود قابل فیض --- ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ مرجان نشود ! [[حافظ]]

گه جن خورده !

گیرم پدر تو بود فاضل --- از فضل پدر تو را چه حاصل ! [[نظامی]]

گیرم که مار چوبه کند تن بشکل مار --- کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست ! [[خاقانی]]

گیبش را توی آسیا سفید نکرده !

لاف در غریبی، گور در بازار مسگرها !

لالائی میدونی چرا خوابت نمیره !

لب بود که دندون اومد !

لر اگر بیبازار نره بازار میگنده !

لقمان حکیم را گفتند : ادب از که آموختی ؟ گفت : از بی ادبان ! [[گلستان سعدی]]

لگد به گور حاتم زده !

لولهنگش آب میگیره !

لیلی را از چشم مجنون باید دید !

ما از خیک دست برداشتیم خیک از ما دست بر نمیداره !

ما اینور خوب تو اونور خوب !

ما اینور خوب تو اونور خوب، فحش بده فحش بستون، پیراهن یکی شانزده تومنه !

مادر را دل سوزد، دایه را دامن !

مادر زن خرم کرده، توبره بر سرم کرده !

مادر که نیست با زن بابا باید ساخت !

کاری از شاهین کریم زاده

مادر مرده را شیون میاموز!

مارا باش که از بز دنبه میخواهیم!

مار بد بهتر بود از یار بد!

مار پوست خودشو ول میکنه اما خوی خودشو ول نمیکنه!

مار تا راست نشه بسوراخ نمیره!

مار خورده افعی شده!

مار خیلی از پونه خوشش میاد دم لونه اش سبز میشه!

مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسه!

مار گیر را آخرش مار میکشه!

مار مهره، هر ماری نداره!

مار هر کجا کج بره توی لونه خودش راست میره!

ماست را که خوردی کاسه شو زیر سرت بزار!

ماستها را کیسه کردند!

ماست مالی کردن!

ماستی که ترشه از تغارش پیداست!

ماست نیستی که انگشتت بزند!

ما صد نفر بودیم تنها، اونها سه نفر بودند همراه!

ما که خوردیم اما نگی یارو خر بود سیرابیت نیخته بود!

ما که در جهنم هستیم یک پله پائین تر!

ما که رسوای جهانیم غم عالم پشمه!

مال است نه جان است که آسان بتوان داد!

مال بد بیخ ریش صاحبش!

مال به یکجا میره ایمون به هزار جا!

مالت را خار کن خودت را عزیز کن!

مال خودت را محکم نگهدار همسایه را دزد نکن!

کاری از: شاهین کریم زاده

مال خودم مال خودم مال مردم مال خودم !

مال دنیا وبال آخرته !

مال ما گل مناره، مال مردم زیر تغاره !

مال مفت صرافی نداره !

پول باد آورده چند و چون نداره !

مال ممسک میراث ظالمه !

مال همه ماله، مال من بیت الماله !

ماما آورده را مرده شور میبره !

ماما که دو تا شد سر بچه کج در میاد !

ما و مجنون همسفر بودیم در دشت جنون --- او بمطلب ها رسید و ما هنوز آواره ایم .

ماه درخشنده چو پنهان شود --- شب پره بازیگر میدان شود !

ما هم تون را میتابیم هم بوق را میزنیم !

ماه همیشه زیر ابر پنهان نمیونه !

ماهی رو هر وقت از آب بگیری تازه است !

ماهی ماهی رو میخوره، ماهی خوار هر دو را !

ماهی و ماست ؟ عزرائیل میگه بازم تقصیر ماست ؟

مبارک خوشگل بود ابله هم در آورد !

مثقال نمکه خروار هم نمکه !

مثل سیبی که از وسط نصف کرده باشند !

مثل کنیز ملا باقر !

مرد چهل ساله تازه اول چالپیشه !

مرد خردمند هنر پیشه را --- عمر دو بایست در این روزگار *** تا به یکی تجربه آموختن --- با دگری تجربه بردن بکار . [[سعدی]]

مرد که تنبوتش دو تا شد بفکر زن نو میافته !

مرده را رو که رو بدی بکفن خودش میرینه !

کاری از شاهین کریم زاده

مردی را پای دار میبردند زنش میگفت : یه شلیته گلی برای من بیار !

مردی که نون نداره اینهمه زبون نداره !

مرغ بیوقت خون را باید سر برید !

مرغ زیرک که میرمید از دام – با همه زیرکی بدام افتاد !

مرغ گرسنه ارزن در خواب می بینه !

مرغ، هم تخم میکمه هم چلغوز !

مرغ همسایه غازه !

مرغی را که در هواست نباید به سیخ کشید !

مرغ یه پا داره !

مرغی که انجیر میخوره نوکش کجه !

مرگ برای من، گلابی برای بیمار !

مرگ به فقیر و غنی نگاه نمیکنه !

مرگ خر عروسی سگه !

مرگ خوبه اما برای همسایه !

مرگ میخواهی برو گیلان !

مرگ یه بار شیون یه بار !

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد ! ((نابرده رنج گنج میسر نمی شود ...)) [[سعدی]]

مزد خر سور چرونی خر سوار نیست !

مزد دست مهتر چس پابوست !

مسجد نساخته گدا درش ایستاده !

مشتری آخر شب خورش پای خودشه !

مشک خالی و پرهیز آب !

معامله با خودی غصه داره !

معامله نقد بوی مشک میده !

معما چو حل گشت آسان شود !

کاری از: شاهین کریم زاده

مغز خر خورده !

مفرداتش خوبه اما مرده شور ترکیبشو ببره !

مگس به فضله ش بشینه تا مورچه خور دنبالش میدوه !

مگه سیب سرخ برای دست چلاق خوبه !؟

مگه کاشونه که کپه با فعله است ؟

ملا شدن چه آسون، آدم شدن چه مشکل !

ملا نصرالدین صنار میگرفت سگ اخته میکرد یکعباسی میداد میرفت حموم !

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم --- تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال . [[سعدی]]

من از بیگانگان هرگز ننالم --- که با من هر چه کرد آن آشنا کرد . [[حافظ]]

من کجا و خلیفه در بغداد !

من میگم خواجه ام تو میگی چند تا چه داری !؟

من میگم نره تو میگی بدوش !

من میگم انف، تو نگو انف، تو بگو انف !

من نمیگویم سمندر باش یا پروانه باش --- چون بفکر سوختن افتاده ای مردانه باش . [[مرتضی قلیخان شاملو]]

من نوکر حاکم نه نوکر بادنجان !

موریانه همه چیز خونه را میخوره جز غم صاحب خونه را !

موش به سوراخ نمیرفت جارو به دم بست !

موش چیه که کله پاچش باشه !

موش زنده بهتر از گربه مرده است !

موش به همبونه (انبار) کار نداره همبونه به موش کار داره !

موش و گربه که با هم بسازند دکان بقالی خراب میشه !

مهتاب نرخ ماست را میشکته !

مهره مار داره !

مه فشاند نور و سگ عوعو کند --- هر کسی بر طبیعت خود می تند ! [[مولوی]]

مهمون باید خنده رو باشه اگر چه صاحب خونه، خون گریه کنه !

کاری از: شاهین کریم زاده

مهمون تا سه روز عزیزه !

مهمون خر صاحبخونه است !

مهمون که یکی شد صاحبخونه گاو میکشه !

مهمون مهمون و نمیتونه ببینه صاحبخونه هر دو را !

مهمون ناخونده خرجش پای خودشه !

مهمون هر کی ، و در خونه هر چی !

میون حق و باطل چهار انگشته !

میون دعوا حلوا خیر نمی کنند !

میون دعوا نرخ معین میکنه !

می بخور، منبر بسوزان، مردم آزاری مکن !

میخوای عزیز بشی یا دور شو یا کور شو !

میراث خرس به گفتار میرسه !

میراث خوار بهتر از چشته خوره !

میوه خوب نصیب شغال میشه !

میهمان راحت جان است و لیکن چو نفس --- خفه سازد که فرود آید و بیرون نرود !

نابرده رنج گنج میسر نمی شود --- مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد !

ناخوانده بخانه خدا نتوان رفت !

ناز عروس به جهازه !

نازکش داری ناز کن، نداری پاهاتو دراز کن !

نبرد رگی تا نخواهد خدای ! ((اگر تیغ عالم جنبد ز جای ...))

نخود توی شله زرد !

نخودچی توی جیبم میکنی اونوقت سرم را میشکنی ؟

نخودچی شو دزدیده !

نخود همه آش !

ندید بدید وقتی بدید به خود برید !

کاری از شاهین کریم زاده

نذر میکنم واسه سرم خودم میخورم و پسرَم !

نردبون، پله به پله !

نردبون دزدها !

نزدیک شتر نخواب تا خواب آشفته نبینی !

نزن در کسی را تا نزنند درت را !

نسیه نسیه آخر بدعوا نسیه !

نشاشیدی شب درازه !

نشسته پاکه !

نفسش از جای گرم در میاد !

نکرده کار نبرند بکار !

نگاه بدست ننه کن مثل ننه غریبه کن !

نوشدارو بعد از مرگ سهراب !

نوکر باب، شیش ماه چاقه شیش ماه لاغر !

نوکر بی جیره و مواجب تاج سر آقااست !

نوکه اومد به بازار کهنه می شه دلزار !

نون اینجا آب اینجا – کجا بروم به از اینجا ؟

نون بدو، آب بدو، تو بدنبالش بدو !

نون بده، فرمون بده !

نون بهمه کس بده، اما نان همه کس مخور !

نونت را با آب بخور منت آبدوغ نکش !

نون خونه رئیسسه، سگش هم همراهشه !

نون خودتو میخوری حرف مردم و چرا میزنی ؟!

نون خود تو میخوری حلیم حاج عباسو هم میزنی ؟!

نون را به اشتهای مردم نمیشه خورد !

نون را باید جوید توی دهنش گذاشت !

کاری از شاهین کریم زاده

نونش توی روغنه !

نونش را پشت شیشه میماله !

نون گدائی رو گاو خورد دیگه بکار نرفت !

نون نامردی توی شکم مرد نیمونه !

نون نداره بخوره پیاز میخوره اشتهاش واشه !

نون نکش آب لوله کش !

نه آب و نه آبادانی نه گلپانگ مسلمانی !

نه آفتاب از این گرم تر میشود و نه غلام از این سیاه تر !

نه از من جو، نه از تو دو، بخور کاهی برو راهی !

نه باون خمیری نه باین فطیری !

نه به اون شوری شوری نه باین بی نمکی !

نه بیاره نه به داره، اسمش خاله موندگاره !

نه بر مرده بر زنده باید گریست ! ((گر این تیر از ترکش رستمی است ...)) [[فردوسی]]

نه پسر دنیاایم نه دختر آخرت !

نه پشت دارم نه مشت !

نه پیر را برای خر خریدن بفرست نه جوان را برای زن گرفتن !

نه خانی اومده نه خانی رفته !

نه چک زدم نه چونه، عروس اومد به خونه !

نه خود خوری نه کس دهی گنده کنی به سگ دهی !

نه در غربت دلم شاد و نه روئی در وطن دارم ! --- الهی بخت برگردد از طالع که من دارم .

نه در غربت دلم شاد و نه روئی در وطن دارم ! --- الهی بخت برگردد از طالع که من دارم .

نه دزد باش نه دزد زده !

نه راه پس دارم نه راه پیش !

نه سر پیازم نه ته پیاز !

نه سر کرباسم نه ته کرباس !

کاری از شاهین کریم زاده

نه سرم را بشکن نه گردو توی دومنم کن !

نه سیخ بسوره نه کباب ! ((کاری بکن بهر ثواب ...))

نه عروس دنیا نه داماد آخرت !

نه شیر شتر نه دیدار عرب !

نه قم خوبه نه کاشون لعنت به هر دوتاشون !

نه مال دارم دیوان ببره نه ایمان دارم شیطان ببره !

نه نماز شبگیر کن نه آب توی شیر کن !

نه هر که سر تتراشد قلندری داند !

نی به نوک دماغش نمیرسه !

نیش عقرب نه از ره کین است --- اقتضای طبیعتش این است !

نیکی و پرسش !؟

وای بیباگی که کلیدش از چوب مو باشه !

وای به خونی که یکشب از میونش بگذره !

وای به کاری که نسازد خدا !

وای به مرگی که مرده شو هم عزا بگیره !

وای به وقتی که بگندد نمک !

وای به وقتی که چاروادار راهدار بشه !

وای بوقتی که قاچاقچی گمرکچی بشه !

وعده سر خرمن دادن !

وقت خوردن، خاله، خواهر زاده را نمیشناسه !

وقت مواجب سرهنگه، وقت کار کردن سربازه !

وقتی که جیک جیک مستونت بود یاد مستونت نبود !؟

وقتی مادر نباشه با زن بابا باید ساخت !

هادی ! هادی ! اسم خودتو بما نهادی!

هر جا که آشه، کل، فراشه !

کاری از شاهین کریم زاده

هر جا خرسه، جای ترسه !

هر جا سنگه بیای احمد لنگه !

هر جا که پری رخیست دیوی با اوست !

هر جا که گندوم نده مال من دردمنده !

هر جا که نمک خوری نمکدون نشکن !

هر جا مرغ لاغره، جایش خونه ملا باقره !

هر جا هیچ جا ، یک جا همه جا !

هر چه از دزد موند، رمال برد !

هر چه بخود نپسندی بدیگران نپسند !

هر چه بگندد نمکش میزنند --- وای به وقتی که گندد نمک !

هر چه به همش بزنی گندش زیادتر میشه !

هر چه پول بدی آتش میخوری !

هر چه پیش آید خوش آید !

هر چه خدا خواست همان شود --- هر چه دلم خواست نه آن شد !

هر چه خورده نریده !

هر چه دختر همسایه چل تر، برای ما بهتر !

هر چه در دیگ است به چمچه میاد !

هر چه دیر نیاید دل بستگی را نشاید !

هر چه رشتتم پنبه شد !

هر چه سر، بزرگتر درد بزرگتر !

هر چه عوض داره گله نداره !

هر چه کنی بخود کنی گر همه نیک و بد کنی !

هر چه که پیدا میکنه خرج اتینا میکنه !

هر چه مار از پونه بدش میاد بیشتر در لونه اش سبز میشه !

هر چه میگم نره، بازم میگه بدوش !

کاری از شاهین کریم زاده

هر چه نصیب است نه کم میدهند --- ورنه نستانی به ستم میدهند !

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست ! --- ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست. [[حافظ]]

هر چیز که خوار آید یکروز به کار آید !

هر خری را به یک چوب نمیروندند !

هر دودی از کباب نیست !

هر رفتی، آمدی داره !

هر سخن جائی و هر نکته مقامی دارد !

هر سرآزیری یک سر بالائی داره !

هر سرکه ای از آب، ترش تره !

هر سگ در خانه صاحبش شیره !

هر شب شب قدر است اگر قدر بدانی !

هر کس از هر جا رونده است با ما برادر خونده است !

هر کسی پنجروزه نوبت اوست ! ((دور مجنون گذشت و نوبت ماست ...)) [[حافظ]]

هر که با مادر خود زنا کنه با دگران چها کنه !

هر که بامش بیش برفش بیش !

هر که بیک کار، بهمه کار - هر که بهمه کار بهیچ کار !

هر که به امید همسایه نشست گرسنه میخوابه !

هر که تنها قاضی رفت خوشحال بر میگردد !

هر که خربزه میخوره پای لرزش هم میشینه !

هر که خری نداره غمی نداره !

هر که خیانت ورزد دستش در حساب بلرزد !

هر که دست از جان بشوید هر چه در دل دارد گوید !

هر که زر در ترازوست زور در بازوست !

هر که را طاووس باید جور هندوستان کشد !

هر که را مال هست و عقلش نیست --- روزی آن مال مالشی دهدش *** وانکه را عقل هست و مالش نیست --- روزی آن

کاری از: شاهین کریم زاده

عقل بالشی دهدش. [[عمادی شهریار]]

هر که را میخواهی بشناسی یا باهاش معامله کن یا سفر کن!

هر که شیرینی فروشد مشتری بروی بجوشد!

هر که نان از عمل خویش خورد --- منت از حاتم طائی نبرد!

هر کی بفکر خویشه کوسه بفکر ریشه!

هر کی خر شد، ما پالونیم!

هر کی که زن نداره، آروم تن نداره!

هر کی که زن نداره، آروم تن نداره!

هر گردی گردو نیست!

هر گلی زدی سر خودت زدی!

هزار تا چاقو بسازه یکیش دسته نداره!

هزار تا دختر کور و یکروزه شوهر میده!

هزار دوست کمه، یک دشمن بسیار!

هزار قورباغه جای یه ماهی رو نمیگیره!

هزار وعده خوبان یکی وفا نکند!

هشتش گرو نه است!

هلو برو تو گلو!

هم از توبره میخوره هم از آخور!

هم از شوربای قم افتادیم هم از حلیم کاشون!

همان آتش است و همان کاسه!

همان خر است و یک کیله جو!

هم چوب را خوردیم هم پیاز را و هم پول را دادیم!

هم حلوای مرده هاست هم خورش زنده ها!

هم خدا را میخواهد هم خرما!

همدون دوره و کردوش نزدیک!

کاری از شاهین کریم زاده

همدون دوره و کردوش نزدیک !

همسایه نزدیک، بهتر از برادر دور !

همسایه ها یاری کنید تا من شوهر داری کنم !

هم فاله و هم تماشا !

همکار همکار و نمیتونه ببیند !

هم لحافه و هم تشک !

هم میترسم هم میترسونم !

همنشین به بود تا من از او بهتر شوم !

همه ابری هم بارون نداره !

همه خرها رو به یک چوب نمبروند !

همه رو مار میگذره مارو خر چسونه !

همه سروته یه کرباسند !

همه قافله پس و پیشیم !

همه کاره و هیچ کاره !

همه ماری مهره نداره !

همه ماهی خطر داره بدنامیشو صفر داره !

هر مرغی انجیر نمیخوره !

همیشه آب در جوی آقا رفیع نمیره به دغه هم در جوی آقا شفیع میره !

همیشه خره خرما نمیرینه !

همیشه روزگار بانسان رو نمیکنه !

همیشه شعبان ، یکبار هم رمضان !

همیشه ما میدیدیم یه دفعه هم تو ببین !

همینو که زائیدی بزرگش کن !

هنوز باد به زخمش نخورده !

هنور دهنش بوی شیر میده !

کاری از شاهین کریم زاده

هنوز سر از تخم در نیاورده !

هنوز غوره نشده مویز شده !

هوو هوو را خوشگل میکنه جاری جاری را کدبانو !

هیچ ارزونی بی علت نیست !

هیچ انگوری دوبار غوره نمیشه !

هیچ بده را به هیچ بستانی کاری نیست !

هیچ بدی نرفت که خوب جاش بیاد !

هیچ بقالی نمیگه ماست من ترشه !

هیچ تقلبی بهتر از راستی نیست !

هیچ چراغی تا به صبح نمیسوزه !

هیچ چیز شرط هیچ چیز نیست !

هیچ دوئی نیست که سه نشه !

هیچ دودی بی آتش نیست !

هیچ عروس سیاه بختی نیست که تا چهل روز سفید بخت نباشه !

هیچکاره ، رقااص پای نقاره !

هیچکاره و همه کاره !

هیچکس در پیش خود چیزی نشد !

هیچکس را توی گور دیگری نمیگذارن !

هیچکس روزی دیگری را نمیخوره !

هیچکس نمیگه ماست من ترشه !

هیچ گرونی بی حکمت نیست !

یابو برش داشته !

یابوی اخته و مرد کوسه سن و سالشون معلوم نیست !

یابوی پیش آهنگ آخرش توبره کش میشه !

یا خدا یا خرما !

کاری از: شاهین کریم زاده

یاربد، بدتر بود از یار بد !

یارب مباد آنکه گدا معتبر شود !

یار در خانه و گرد جهان میگردیم !

یارقدیم ، اسب زین کرده است !

یار، مرا یاد کنه ولو با یک هل پوک !

یا زنگی زنگ باش یا رومی روم !

یا علی غرقش کن منم روش !

یا کوچه گردی یا خانه داری !

یا مرد باش یا نیمه مرد یا هپل هپو !

یا مرگ یا اشتها !

یا مکن با پیلان دوستی --- یا بنا کن خانه در خورد پیل ! [[سعدی]]

یعنی کشک !

یکی رو تو ده راه نمی دادند سراغ کدخدارو میگرفت !

یک ارزن از دستش نمی ریزه !

یک مرده بنام به که صد زنده به ننگ !

یک انار و صد بیمار!

یک بز گر گله را گر میکند !

یکخورده شاخ بهتر از هزار ذرع دمه !

یک داغ دل بس است برای قبیله ای !

یکدم نشد که بی سر خر زندگی کنیم !

یک ده آباد بهتر از صد شهر خراب !

یک بار جستی ملخه، دو بار جستی ملخه، آخر به دستی ملخه !

یه بام و دو هوا !

یه پا چارق، یه پا گیوه !

یه پاش این دنیا یه پاش اون دنیاست !

کاری از شاهین کریم زاده

یه پول جیگرک سفره قلمکار نمیخواد !

یه تب یه پهلوان و میخوابونه !

یه تخته اش کمه !

خل و کم عقل است !

یه جا میل و مناره را نمی بینه یه جا ذره رو در هوا می شماره !

یه مثقال گه توی شکمش نیست میخواد به شمس العماره برینه !

یه چیز بگو بگنجه !

یه حموم خرابه چهل تا جومه دار نمیخواد !

یه خونه داریم پنبه ریسه ، میون هفتاد ورته !

یه دست به پیش و یه دست به پس !

یه دست صدا نداره !

یه دستم سپر بود، یه دستم شمشیر، با دندونام که نمیتونم بکنم !

یه دیوانه سنگی به چاه میندازه که صدعاقل نمیتونه بیرون بیاره !

یه روده راست توی شیکمش نیست !

یه روزه مهمونیم و صد ساله دعاگو !

یه روز حاجی میکنه سه روز پنبه از ریش ور میچینه !

یه سال بخور نون و تره صد سال بخور نون کره !

یه سال روزه بگیر آخرش با فضله سگ افطار کن !

یه سوزن بخودت بزن و یه جوالدوز به مردم !

یه سیب و که به هوا بندازی تا بیاد پائین هزار تا چرخ میخوره !

یه شکم سیر بهتر از صد شکم نیم سیر !

یه عمر گدائی کرده هنوز شب جمعه رو نمیدونه !

یه کاسه چی صد تا سرناچی !

یه کفش آهنی میخواد و یه عصای فولادی !

یه کلاغ و چهل کلاغ !

کاری از شاهین کریم زاده

یه گوشش دره یه گوشش دروازه !

یه لاش کردیم نرسید دو لاش کردیم که برسد !

یه لقمه نون پرپری من بخورم یا اکبری !

یه مرید خر بهتر از یه ده شیش دانگ !

یه مو از خرس کندن غنیمته !

یه مویز و چل قلندر !

یه نه بگو، نه ماه رو دل نکش !

یه وقت از سوراخ سوزن تو میره یه وقت از در دروازه تو نمیره !

یکی به نعل و یکی به میخ !

یکی چهارشنبه پول پیدا میکنه یکی گم میکنه !

یکی کمه، دوتا غمه ، سه تا خاطر جمه !

یکی مرد و یکی مردار شد یکی به غضب خدا گرفتار شد !

یکی میبره یکی میدوزد !

یکی گفت : مادرم را میفروشم . گفتند : که چطور مادرت را میفروشی ؟ گفت : قیمتی میگم که نخرند !

یکی میمرد ز درد بینوایی – یکی میگفت خانوم زردک میخواهی !؟

یکی نون نداشت بخوره پیاز میخورد که اشتهاش واشه !

یکی یه دونه یا خل میشه یا دیوونه !

کاری از: شاهین کریم زاده

برای دانلود بیشتر روی دانلودبیشتر درپایین
کلیک کنید

دانلودبیشتر

این کتاب توسط شاهین کریم زاده ساخته
شده کپی برداری باذکرمنبع مجاز است
درخواست کتاب وبرنامه اندرویدبرای
ساختن:

shahinsaghez@gmail.com

09337084876

گروه نرم افزاری شاهین کریم زاده سافت

کاری از: شاهین کریم زاده